نهمین کنفرانس ملی
مطالعات میان رشته‌ای علوم دینی و حوزوی
9th National Conference on
Interdisciplinary Studies in Religious and Theological Sciences
www.psr.bcnf.ir

علل وعوامل سقوط انسان از انسانیت دراسلام

نصرت اله وهابی فر

nosrat.vahabifar@gmail.com

چکیده:

درآموزه های اسلامی، انسان دارای جایگاهی والا وکرامت ذاتی است که خداوند به او اعطا کرده است . بااین حال درقرآن ،درقرآن وسنت پیامبر اسلام (ص) هشدارهایی جدی درباره سقوط انسان ارمرتبه انسانیت وفرو افتادن به پست ترین درجات آمده است. این مقاله با هدف بررسی علل وعوامل سقوط این سقوط ، به تحلیل مبانی قرآنی وروایی دراین زمینه می پردازد. ازمهم ترین عوامل سقوط می توان به غفلت ازیاد خدا، پیروی ازهوای نفس، حب دنیا، تکبرف ظلم، وفاصله گرفتن از اخلاق ومعنویت اشاره کرد .همچنین نقش محیط اجتماعی ، ضعف ایمان وتأثیرات شیطانی دراین فرآیند بررسی شده است. نتیجا پژوهش نشان می دهد که حفظ کرامت انسانی مستلزم تقوا، علم ، بندگی خدا وپایبندی به ارزش های دینی است وغفلت ازاین اصول ، انسان را به ورطه سقوط می کشاند.بررسی ها نشان می دهد مه درمتون اسلامی، سقوط انسان نه امری ناگهانی، بلکه نتیجه فرایندی تدریجی است که با بی توجهی به دستورهای الهی وضعف درخودسازی آغازنی شود. قرآن کریم بابیان سرگذشت اقوام پیشین وافراد منحرف نشان می دهد که چگونه غفلت ، طغیان ، استکبار، وپیروی از شهوات موجب فرورفتن انسان در تاریکی های جهل وتباهی می شود.در مقابل اسلام با ارائه راهکترهایی چون توبه، ذکر، تزکیه نفس، علم آموزی فوپیروی ازانبیاء مسی بازگشت به انسانیت را هموار ساحته است.

مقدمه:

انسان درنگاه اسلام موجودی است برگزیده ودارای کرامت، که خداوند اورا «اشرف مخلوقات» خوانده وخلافت خود رابرزمین به اوسپرده است.این جایگاه والا، انسان راازسایر موجودات ممتاز می سازد واورا مسئول رفتار، انتخاب ومسیر زندگی اش می گرداند.باوجود این شأن بلند، قرآن کریم واحادیث اسلامی بارها ازخطر سقوط انسان به مرلتب پست تر ازحیوانات سخن گفته اند؛ سقوطی که نه ازضعف جسم، بلکه ازانحراف روح وفساد اخلاق ناشی می شود. اسلام
باتأکید برفطرت پاک انسانی، هشدار می دهدکه درصورت غفلت ازیاد خدا، پیروی ارنفس اماره، دنیاپرستی ودوری از فضایل اخلاقی ،انسان ممکن است به راحتی ازمسیر رشدوکمال دورشوده وبه پرتگاه سقوط بیفتد. از این رو، شناخت عوامل این انحطاط نه تنها ضرورتی معرفتی، بلکه وظیفه ای به شمار می آید.

قرآن کریم درآیات متعددی به این حقیقت اشاره دارد که انسان درصورت دوری از هدایت الهی ،ممکن است به موجودی سرکش، ناسپاس وحتی گمراه ترازحیوان تبدیل شود. این موضوع نه تنها تهدیدی فردی بلکه خطری برای جامعه انسانی به شمار می رود.چراکه سقوط اخلاقی ومعنوی افراد، تأثیر مستقیمی برفساد اجتماعی، ظلم، تبعیض وفروپاشی ارزش ها خواهد داشت. ازاین رو، شناخت دقیق ریشه های این انحطاط وعوامل مؤثربرآن، برای اصلاح فردوجامعه امری ضروری است. منابع اسلامی، به ویژه قرآن وسنت، چارچوبی روشن برای شناخت علل سقوط انسان ارائه می دهند وهمزمان راه های نجات وبازگشت به مسیر انسانیت رانیز بیان می کنند. این مقاله درپی آن است که بابهره گیری از این موضوع افکندوبه ویژه برنقش اربیت دینی، خودساری، وتقویت بینش توحیدی درحفظ انسان از سقوط تأکید ورزد.

کلیدواژه ها: انسانیت ، سقوط اخلاقی ، کرامت انسانی، تربیت انسانی، ارزش های دینی

پیشینه تحقیق:

موضوع سقوط انسان ازجایگاه انسانیت ازدیربازمورد توجه اندیشمندان اسلامی، مفسران قرآن وعلمای اخلاق بوده است . درمنابع اسلامی ، مفهوم «سقوط» به معنای انحطاط اخلاقی ، دورشدن از فطرت الهی وپیروی از هوای نفس مطرح شره است. قرآن کریم وروایات اهل بیت علیهم السلام ،بارها انسان رابه حفظ کرامت انسانی ودوری ازعواملی چون کبر، حسد، شهوت، وغفلت هشدار داده اند.

۱. منابع دینی: قرآن کریم: درآیات متعددی از جمله «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴) ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵)..»سوره تین ایه های ۴و۵..به قابلیت صعود وسقوط انسان اشاره دارد.

۲.نهج البلاغه:امام علی علیه السلام درخطبه ها ونامه های خود بارها به زوال ارزش های انسانی وسقوط اخلاقی درپی غفلت، طمع ودنیاپرستی هشدار داده اند.

۳. روایات معصومین:احدیث زیادی درباره عواملی چون پیروی از هوای نفس، ترک تقوا، حسد، تکبرو...به عنوان عوامل سقوط انسان ذکرشده است.

۳..پژوهش های علمی: شهید مطهری{۱۳۶۹}،اسان وسرنوشت: شهید مطهری باتحلیل فلسفی ودینی، به نقش اختیار وفطرت در تعیین مسیر صعودیاسقوط انسان می پردازد.

۴. جوادی عاملی: انسان از آغازتا انجام: ایشان به تشریح حرکت تکاملی یا تنزلی انسان براساس اختیار ، عقل ودین پرداخته اند.

۵..عبدالکریم سروش: ۱۳۷۸، بسط تجربه نبوی:

۶..مقالات پژوهشی درفصلنامه های علوم انسانی ودینی :مقالات متعددی دراین حوزه باتمرکز بر «انسان شناسی اسلامی» ،« کرامت انسانی» ، « عوامل انحطاط اخلاقی درقرآن» منشر شده ه اند که بررسی آن ها درغنای این تحقیق مؤثر است.

جایگاه انسان درآفرینش: جایگاه انسان درآفرینش یکی از پرسش های بنیادی فلسفی، دینی وعرفانی است که درمکاتب مختلف پاسخ های گوناگونی به آن داده شده است .دراینجا نگاهی به دیدگاه های مختلف می اندازیم.

۱..درنگاه دینی (اسلام) خلیفة الله: درقرآن انسان جایگاهی بسیار بلند دارد.« وَإِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِکَةِ إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَةً ۖ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِیهَا مَنْ یُفْسِدُ فِیهَا وَیَسْفِکُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَنُقَدِّسُ لَکَ ۖ قَالَ إِنِّی أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ..سوره بقره ایه۳۰» و آن زمان را یاد آر که پروردگارت به فرشتگان گفت: به یقین جانشینی در زمین قرار می دهم. گفتند: آیا موجودی را در زمین قرار می دهی که در آن به فساد و تباهی برخیزد و به ناحق خون ریزی کند و حال آن که ما تو را همواره با ستایشت تسبیح می گوییم و تقدیس می کنیم. [پروردگار] فرمود: من [از این جانشین و قرار گرفتنش در زمین اسراری] می دانم که شما نمی دانید.ایه بعدی که خداوند اسان را گرامی داشته. « وَلَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِی آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّیِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ کَثِیرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِیلًا..سوره اسرا ایه۷۰» به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت های پاکیزه روزی بخشیدیم، وآنان را بر بسیاری از آفریده های خود برتری کامل دادیم.

ایه های دیگر. «هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُمْ مَا فِی الْأَرْضِ جَمِیعًا...سوره بقره ایه۲۹» اوست که همه آنچه را در زمین است برای شما آفرید.« وَسَخَّرَ لَکُمْ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ جَمِیعًا مِنْهُ ...سوره جاثیه ایه۱۳» و همه آنچه را در آسمان هاست و آنچه را در زمین است از سوی خود برای شما مسخّر و رام کرد؛

۲..نگاه فلاسفه وعرفا به آفرینش .نگاه فلاسفه وعرفا به آفرینش بسیار ژرف وبنیادین است .هردو گروه، یعنی فلاسفه وعرفا به آفرینش نگاه خاصی دارند که اگر چه دربرخی اصول باهم هم پوشانی دارد، اما تفاوت های مهمی نیز میان آن هاوجود دارد. ۳..نگاه فلاسفه. فلاسفه ، به ویژه فلاسفه اسلامی(مثل فارابی ، ابن سینا، ملاصدرا) آفرینش رابر پایه عقل، نظم، وعلیت تحلیل می کنند.

۱.۳ نظریه صدور {قیض} جهان از خداوند به صورت تدریجی وبه ترتیب صادر می شود؛ نه به شکل خلق ناگهانی. ۲.۳.خداوند مبدأ اول است واز او نخست

«عقل اول» صادر می شود، سپس ازعقل اول تا عالم مادی. ۳.۳.این زنجیره، عالم امکان را به مبدأ واجب الوجود(خدا)متصل می کند. ۴. نگاه عرفا. عرفا مانند ابن عربی، مولوی، عطار؛ نگاه شان بیشترعاشقانه وشهودی است تاعقلانی . آن ها آفرینش راحاصل عشق الهی ومیل به {ظهور} می دانند.

کرامت انسانی دراسلام:

کرامت انسانی دراسلام یکی از بنیادی ترین انسان شناسی واخلاقی است. قرآن وسنت، انسان راموجودی شریف ، صاحب عقل، اختیار، ومسئولیت معرفی می کنند که دارای ارزش ذاتی است . صرف نظر ازنژاد، جنس، دین یا موقعیت اجتماعی ست. در دین مبین اسلام و به تبع آن در قانون اساسی ایران، کرامت ذاتی انسان نه بر مبنای یک امر قراردادی و اعتباری و یا عقلانی صرف، بلکه بر اساس یک امر هستی شناختی و اصیل که ریشه در ذات خلقت بشری دارد و نیز بر مبنای احکام و فرامین الهی توجیه می شود. بر اساس چنین رویکردی، کرامت ذاتی انسان فقط به این علت نیست که او از «آزادی اراده و اختیار» و «قدرت تعقل و تفکر» برخوردار است، بلکه به سبب آن است که او دارای وجهه الهی است و در واقع، ذات انسان به عنوان آینه اسماء الهی به لحاظ طبیعت روحانی و جوهر معنوی خود با کائنات و هستی پیوستگی دارد و بدین ترتیب او عالیترین صورت برای هویت حق است .

از دیدگاه امام خمینی انسان با کرامت خلق شده است و کرامت انسان فضیلت و شرافتی است که او را از دیگر موجودات ممتاز می‌کند. {۲} به اعتقاد ایشان افرادی که برای کرامت انسان حرمتی قائل نیستند و بر ضد بشریت اقدام می‌کنند، خود حرمتی ندارند و باید با آن مبارزه کرد؛ از این جهت است که انبیای الهی بر کافران سخت می‌گرفتند و با آنان مبارزه می‌کردند.[۳]

امام خمینی با تقسیم کرامت به ذاتی و اکتسابی: الف) کرامت ذاتی را مربوط به کمالات وجودی می‌داند که در افراد به تناسب استعدادهای آنها مختلف است. ب) امام خمینی معیار کرامت اکتسابی انسان را در تقوای الهی معرفی می‌کند و معتقد است هر کس تقوایش بیشتر باشد، کرامتش نزد خداوند بیشتر است.{۵}

سقوط انسان ازانسانیت ازمنظر ائمه(ع)

سقوط انسان ازانسانیت ازدیدگاه ائمه علیهم السلام یکی از مهم ترین موضوعات اخلاقی ومعرفتی درمعارف شیعه است. اهل بیت علیهم السلام انسان راموجودی با کرامت ذاتی، ظرفیت تعالی ونیزقابلیت سقوط می دانند. درنگاه آنان انسان اگر از مسیر عبودیت وفطرت فاصله بگیرد، ممکن است به مراتب پایین تر از حیوان سقوط کند.

سقوط از انسانیت به معنای ازدست دادن ارزش های انسانی مانند عقل، وجدان، انصاف، حیا، صداقت، وعبودیت است . این سقوط ،ظاهری نیست ، بلکه باطنی ومعنوی است؛ فرد ممکن است ظاهر انسانی داشته باشد، ولی در درونف ازمرتبه انسانی ساقط شده باشد. انسان همه کمالات رابالقوه دارد ، چنان که همه زمینه های سقوط وانحطاط نیز دروی هست . این خود اوست که باید به حکم اختیار ، سازنده ومعمارخویشتن باشد وبرای رسیدن به کمالات، سرشت

آسمانی وملکوتی اش راتقویت کند. شرط اصلی به کمالاتی که بالقوه دارد«ایمان» است .ازایمان، تقوا وعمل صالح برمی خیزد

امام علی (ع) در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه بارها از عجب و تکبر سخن بر میان آورده است و با عبارات مختلف مردم را از این صفت پلید پرهیز داده و در بخشی از آن آمده «آگاه باشید. زنهار! زنهار! از پیروی بزرگانتان، آنان که بر اصل و نسب خود می‌نازند و خود را بالاتر از آنچه هستند می‌پندارند... مردم! از آنچه که بر ملتهای متکبر گذشته از کیفرها و عقوبتها و سختگیریها، ذلت و خواری فرود آمده عبرت گیرید و از قبرها و خاکی که بر آن چهره نهادند و زمین‌هائی که بر آن پهلو افتادند پند گیرید و از آثار و زشتی که غرور در دلها می‌گذارد به خدا پناه برید همانگونه که از حوادث سخت به او پناه می‌برید.»

امام علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «و ایّاک و الاعجاب بنفسک و الثّقه بما یعجبک منها و حبّ الاطراء...»(نهج البلغه نامه ۵۳) یعنی مبادا هرگز دچار خودپسندی گردی و به خوبیهای خود اطمینان کنی و ستایش را دوست داشته باشی که اینها همه از بهترین فرصتهای شیطان برای هجوم آوردن به تو است و کردار نیک نیکوکاران را نابود می‌کند.

عوامل سقوط انسان از انسانیت از دیدگاه ائمه(ع)

۱.پیروی از هوی نفس

۲. حب دنیا ومقام پرستی

۳. غفلت از خدا وآخرت

۴. تکبر وخودبینی

۵. ریا ونفاق

۶. نادیده گرفتن وجدان وعقل

راه های جلوگیری از سقوط از دیدگاه ائمه(ع)

۱.تقوا وخودنگه داری

۲. ذکرخدا ویادمرگ

۳. محاسبه نفس

۴. هم نشینی باانسان های پاک

۵. پایبندی به قرآن واهل بیت (ع).

سقوط اخلاقی در جامعه:

سقوط اخلاقی در جامعه به معنای کاهش یاازبین رفتن ارزش ها، هنجارها واصول اخلاقی ای است که پایه های رفتاردرست وانسانی دراجتماع راتشکیل می دهند. سقوط اخلاقی در جامعه پدیده‌ای است که در آن ارزش‌ها و اصول اخلاقی که قبلاً مورد احترام و پذیرش بوده‌اند، کمرنگ شده و رفتارهای ناهنجار و غیر اخلاقی در جامعه افزایش می‌یابد. این پدیده می‌تواند به عوامل مختلفی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مرتبط باشد و پیامدهای منفی متعددی را برای جامعه به دنبال داشته باشد.واین پدیده می تواند به اشکال مختلفی بروز کند ودلایل گوناگونی داشته باشد. قرآن می فرماید: «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِکْری فَإِنَّ لَهُ مَعیشَةً ضَنْکاً وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیامَةِ أَعْمی» و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی

(سخت و) تنگی خواهد داشت، و روز قیامت، او را نابینا محشور می‌کنیم.{سوره طه ایه۱۲۴}

عوامل سقوط اخلاقی : ۱. ضعف ایمان وباورهای دینی ۲.. فقدان آموزش وتربیت اخلاقی درخانواده ومدرسه ۳..الگوهای منفی دررسانه ها وفضای مجازی ۴..ضعف نظام قضایی وبی تفاوتی دربرابر فساد ۵.. نابرابرهای اقتصادی واجتماعی ۶..فروپاشی نهادهای سنتی واجتماعی

پیامدهای سقوط اخلاقی: ۱..کاهش اعتماداجتماعی ۲..افزایش آسیب های اجتماعی(اعتیاد، طلاق، جرم وجنایت) ۳..فروپاشی بنیان خانواده ۴..بی ثباتی سیاسی واقتصادی ۵..احساس ناامنی وبی اعتمادی درجامعه

راهکارهای مقابله باسقوط اخلاقی: ۱..تقویت آموزش های دینی واخلاقی درخانواده وآموزش وپرورش ۲..پایش واصلاح محتوای رسانه ها ۳..مبارزه جدی بافساد ۴..ایجادعدالت اجتماعی وکاهش فاصله طبقاتی ۵..تقویت فرهنگ گفتگو ،احترام، وپذیرش تفاوت ها

عوامل سقوط در اجتماع(ازدیدگاه دینی واخلاقی)

عوامل سقوط در اجتماع ازدیگاه دینی واخلاقی، ریشه درضعف باورهای معنوی وانحراف از اصول انسانی دارند. دین اسلام وسایر مکاتب اخلاقی تأکید فراوانی برحفظ ارزش ها دارند تا جامعه ازسقوط وفساددرامان بماند. از دیدگاه دینی و اخلاقی، سقوط و انحطاط جوامع ناشی از عوامل متعددی است که می‌توان آنها را در دو دسته کلی «فردی» و «اجتماعی» طبقه‌بندی کرد. عوامل فردی شامل ضعف ایمان، بی‌تقوایی، دوری از ارزش‌های اخلاقی و ترویج فساد است. عوامل اجتماعی نیز شامل بی‌عدالتی، تبعیض، فساد اداری، ضعف نظارت و نبود حاکمیت صالح است. این عوامل به تدریج و با هم‌افزایی یکدیگر، جامعه را به سمت زوال و نابودی سوق می‌دهند. دین و اخلاق، نقش مهمی در پیشگیری از سقوط جوامع دارند. تعالیم دینی با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی مانند صداقت، عدالت، امانت‌داری و نوع‌دوستی، می‌توانند افراد را به سوی رفتار درست و سازنده هدایت کنند. همچنین، دین با ارائه نظام ارزشی و اخلاقی، می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر فساد و تباهی عمل کند.

عوامل سقوط دراجتماع ازدیدگاه دینی:

۱.. فساداخلاقی وبی بندوباری ۱.۱..گسترش دروغ، فحشا، خیانت وبی عفتی ۱.۲..ضعیف شدن حیاء ووجدان

۱.۳..غلبه نفس امار ه «إِنّ اللّهَ لَا یُحِبّ الْفَسَادَ» به این معنی است که «خداوند تباهی و فساد را دوست ندارد». این آیه در قرآن کریم در سوره بقره، آیه ۲۰۵ آمده است. در این آیه، خداوند متعال به طور صریح اعلام می‌کند که فساد و تباهی را دوست ندارد و از آن نهی می‌کند. ۲..بی عدالتی وظلم

۲.۱..ظلم به دیگران درمال، جام یاآبرو

۲.۲..وجود تبعیض طبقاتی ونژادی

۲.۳..نادیده گرفتن حقوق مستضعفان وفقرا..امام علی علیه السلام فرموده اند: {العد أساس یقوم علیه العالم} عدالت پایه ای است که جهان برآن استوار است.

نتیجه:

ازدیدگاه اسلام، انسان موجودی باکرامت الهی ودارای استعداد خلافت الهی برزمین است، اما این مقام والا درگرو حفظ ارزش های انسانی، اخلاقی ودینی است. سقوط انسان ازانسانیت زمانی رخ می دهد که اواز مسیر فطرت پاک خودمنحرف شده وارزش های الهی راکنار بگذارد.اسلام تأکید دارد که انسان با تهذیب نفس، ایمان راستین، عمل صالح ورعایت تقوا می تواند از سقوط نجات یافته وبه مقام واقعی انسانیت دست یابد. اسلام سقوط انسان راامری قابل پیشگیری وجبران پذیر می داند ، مشروط برآنکه انسان به خود آید وبا بازگشت به فطرت الهی ورعایت تعالیم دینی، مسیر انسانیت را دوباره در پیش گیرد.

منابع:

۱..قرآن کریم
۲..خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل وجهل، ص۱۳۹، ۱۴۰ف نهران، مویبه تنظیم ونشرآثار امام خمینی،۱۳۸۲
۳..خمینی ، روح الله ، صحیفه امام ، ج۱۹۰،ص۱۴۱، تهران موسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹ ۴..خمینی ، روح الله، صیفه امام، ج۱فص۳۸۷وج۶، ص۳۱۴، تهران، موسسه نشرتنظیمآثار امام خمینی، ۵..نهج البلاغه